



نبرد شرق بصره | کربلای ۵

بعد از توقف مرحله اول عملیات در شرق بصره (کربلای ۴) رژیم بعث عراق، با تصور شکست کامل ایران در عملیات سرنوشت ساز، درصد برآمد ابتکار عمل را در جبهه ها به دست بگیرد و این تنها به معنای خیز برداشتن برای پس گرفتن «قاو» بود. ایران نیز به خوبی می دانست که اگر عملیات را ادامه ندهد، به زودی باید میدان را کاملاً به عراق واگذار کند. در مرحله اول مشخص شده بود که تصور رایج درباره شکست ناپذیری استحکامات منطقه «شلمچه» کاملاً غلط بوده و نفوذ از این منطقه به سمت بصره، قابل دستیابی است. ایران باید قبیل از آن که دشمن بتواند مواضع درهم شکسته خود را در این منطقه بازسازی کند، دست به کار می شد. به این ترتیب در زمان کوتاهی مقرر شد مرحله دوم عملیات، از منطقه شلمچه دنبال شود و طرح مانور قرارگاه های عملیاتی به سمت «شلمچه» اصلاح گردید. برای این مرحله از نبرد، نام «کربلای ۵» انتخاب شد.



Arvand-negar | @ Arvand-negar

مجموعه‌های اطلاع رسانی



زمان عملیات

دو هفته پس از توقف «کربلای ۴»، ساعت یک و سی و پنج دقیقه شامگاه ۱۹ دی ۱۳۶۵، عملیات کربلای ۵ با رمز «یا زهرا (ع)» آغاز شد.



استعداد نیروی خودی

در مجموع ۲۴ یگان سپاه (بالغ بر ۲۱۵۰۰۰ نفر) در این عملیات وارد کارزار شدند.



هدف راهبردی عملیات

حرکت به سمت «بصره» با نفوذ در استحکامات منطقه «شلمچه» و ایجاد یک خط پدافندی قابل دفاع در نزدیک ترین فاصله با این شهر در غرب «کانال ماهی».



خسارات و تلفات دشمن

انهدام ۱۶ تیپ به طور کامل و ۲۲ تیپ بیش از ۶۰ درصد و باقی یگان ها نیز از ۱۰ تا ۶۰ درصد آسیب دیدند. بیش از ۷۰ فروند هواپیمای جنگی دشمن نیز ساقط شد. بنا بر اخبار واصله و تخمین ها، تلفات ارتش عراق به بیش از ۵۰ هزار نفر رسید.



تعداد شهدای خودی

۷۶۵۱ شهید که با احتساب مفقودینی که به شهدا اضافه شدند، بالغ بر ۹۴۰۰ نفر می باشد.



استعداد نیروی دشمن

بیش از نصف استعداد ارتش بعث (که بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر تخمین زده می شد) در این عملیات وارد عمل شدند.



تاکتیک ویژه عملیات

عملیات «کربلای ۵» دو کلید موفقیت داشت. اول، غافلگیری کامل دشمن که نتیجه سرعت عمل بالای ایران برای ادامه عملیات بود (دو هفته پس از توقف مرحله اول با نام کربلای ۴) و دوم، تکرار مانور لشکر ۱۹ فجر در کربلای ۴ بود که پاشنه آشیل دشمن را کشف کرد و در کربلای ۵ نیز محل نفوذ رزمندگان ایرانی به استحکامات دشمن شد.



ویژگی منحصر بفرد عملیات

کوچک بودن میدان نبرد نسبت به میزان نیروی حاضر در آن در طول دفاع مقدس بی سابقه است. تقریباً تمام توان رزمی سپاه (بالغ بر ۲۲۰ گردان) و حدود نیمی از استعداد نیروی زمینی ارتش بعث (۹۴ یگان) در مساحتی کمتر از چهار کیلومتر، نزدیک به یک ماه با هم درگیر بودند.



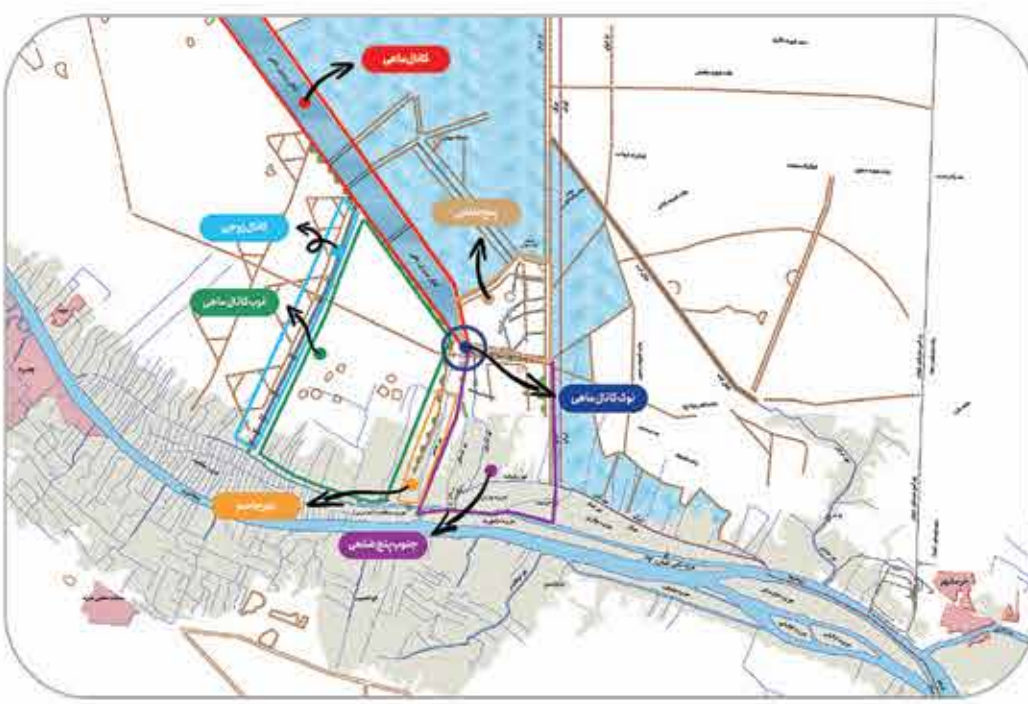
نتیجه نهایی عملیات

عبور از دروازه ورود به بصره (فاصله نوک کانال ماهی تا شط العرب)، آزادی شلمچه ایران و تصرف شلمچه عراق و تشکیل خط پدافندی مستحکم، پشت «نهر جاسم» و در فاصله ۱۲ کیلومتری بصره، اهمیت شکسته شدن استحکامات عراق در شلمچه به حدی بود که اعتماد متحدان منطقه ای و جهانی عراق به توان نظامی این کشور برای متوقف سازی ایران از میان رفت و ناگزیر به تنظیم و تصویب نخستین سند بین المللی با در نظر گرفتن حقوق ایران در جنگ شدند که «قطعنامه ۵۹۸» نام گرفت.



مشکل بزرگ عملیات

منطقه نوک «کانال ماهی» محل اتصال سه جبهه اصلی عملیات به شمار می رفت: «پنج ضلعی»، «جنوب پنج ضلعی» و «غرب کانال ماهی». ارتش بعث با مقاومتی سرسختانه که تا آخرین روزهای عملیات ادامه یافت، در تلاش بود که مانع از الحاق قوای ایرانی حاضر در سه جبهه مزبور، در «نوک کانال ماهی» شود که به «سه راه شهادت» شهرت پیدا کرده بود. اما در نهایت این منطقه آزاد شد.



سخت ترین مرحله عملیات

دسته بندی مراحل عملیات کربلای ۵ از نظر سختی نبرد، آسان نیست. این ادعا که تمامی مراحل این عملیات از سخت ترین اوقات جنگی در سال های دفاع مقدس هستند، بسیار به حقیقت نزدیک است. اما شاید بتوان با کمی مسامحه، نبردهای «غرب کانال ماهی» را با هدف آزادسازی و پاکسازی حدفاصل «نهر جاسم» تا «کانال زوجی»، سهمگین ترین مرحله عملیات دانست که به دلیل حضور چند لشکر زرهی دشمن در مساحتی کمتر از ۲۰ کیلومتر مربع، به نتیجه نرسید.

اگر قدرت امروز را در کربلای ۵ داشتیم...

دی ماه سال ۶۵ ایران به منظور تعیین سرنوشت جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث عراق، بر اساس راهبرد «عملیات سرنوشت ساز» اقدام به حمله به قصد تهدید شهر بصره کرد که به عملیات های کربلای ۴ و ۵ ختم شد.

اگرچه رزمستان آن سال در نهایت به دستاوردهای مهمی برای ایران ختم شد، اما به اذعان فرماندهان و رزمندگان دفاع مقدس در ارتش و سپاه، دو عملیات فوق از سخت ترین عملیات های دفاع مقدس بود. موانع مختلف مصنوعی ایجاد شده توسط رژیم بعث با مشاوره کشورهای خارجی، تأمین تسلیحات به روز و پر شمار و افزودن به حجم نیروهای نظامی و از طرف دیگر منابع و تجهیزات محدود در اختیار رزمندگان اسلام سبب شد تا کربلای ۵ با دشواری های فراوان به نتایجی که حاصل شد برسد.

موانعی مانند کانال مصنوعی آب ایجاد شده به نام پرورش ماهی، مواضع هلالی و مثلثی در مرحله آزادسازی سرزمینی و هجوم بی امان هواپیماها و بالگردهای عراقی و تیپ های مکانیزه و تانک های تی ۷۲ گارد ریاست جمهوری عراق در مرحله تثبیت نواحی آزاد شده سربترهای مشکلات رزمندگان در عرصه میدانی عملیات کربلای ۵ بودند.

شاید این سؤال برای بسیاری پیش بیاید که کدام یک از داشته های امروز نیروهای نظامی ایران می توانست در کربلای ۵ بار مشکلات فوق بگاهد؟ این صرف نظر از همه تلاش هایی است که طی دوران جنگ توسط تأمین کنندگان تجهیزات دفاعی برای پرکردن دست رزمندگان اسلام صورت می گرفت.

موشک های ضد زره یکی از مواردی است که امروزه در انواع مختلف و به تعداد بسیار بالا در کشور ساخته می شود. اگر از نمونه های بسیار پیشرفته ای مانند موشک «الماس» با قابلیت «شلیک کن-فراموش کن» و توانایی کار در تمام شرایط آب و هوایی و حمله از بالا به هدف صرف نظر کنیم، موشک های «طوفان»، «نوسن» و «دهلویه» انواعی هستند که امروزه روی خودروهای تاکتیکی ایرانی «سفیر» (همرده با جیب های میول و شهباز که در زمان جنگ وجود داشتند) و حتی موتورهای چهار چرخه نصب شده و به تعداد بالا در یگان های مختلف ارتش و سپاه حضور دارند.

در دوران جنگ به علت وجود نیروهای زرهی پرتعداد عراق که دائماً توسط شوری و چین تغذیه می شد، ذخیره موشک های ضد زره «تاو» رو به اتمام بوده و ارتش حیاتی پیدا کرده بودند. تأمین آنها از خارج هم بسیار دشوار بود و فعالیت ها برای ساخت آن در ایران نیز در انتهای جنگ به نتیجه رسید. در نتیجه در کربلای ۵ در زمان پانک دشمن برای عقب زدن نیروهای ایرانی، مشکلات فراوانی از سوی زرهی ارتش بعث ایجاد شد اما همان طور که در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان در سال ۲۰۰۶ و در جنگ تحمیلی اعراب بر ملت یمن در چند سال اخیر نشان داده شد، یگان های ضد زره و پرتحرک می توانند حتی جلو پیشرفته ترین تانک های روز دنیا را هم بگیرند.

از دیگر مواردی که در عملیاتی همچون کربلای ۵ می توانست گره گشا باشد، مهمات سنگین و سلاح های معبر یازکن بود. میادین مین بسیار گسترده ای توسط ارتش عراق در محواری عملیاتی ایجاد شده بود که باز کردن آنها در چند مرحله پیش از شروع عملیات باید غافلگیرانه می بود اما پس از شروع عملیات دیگر لزومی به کار انفرادی نبود و باز کردن معبر به صورت بی سرو صدا دیگر لزومی نداشت. این چنین ادواتی امروزه در کشور موجود است و البته در همان اواخر جنگ هم مهمات سنگین ضد میدان مین توسط نیروی هوایی ارتش هم ساخته شده بود.

موشک های سطح به سطح نقطه زن تاکتیکی هم که امروزه از بردهای بسیار کوتاه در قالب راکت های هدایت شونده خانواده فجر تا موشک های کوچک فتح و نمونه های دیگر مانند موشک زلزله از سپاه و موشک های طرح لیبک در ارتش و نیز موشک های خانواده فاتح به وفور در اختیار نیروهای مسلح هستند برای در هم شکستن هر موضع دفاعی قابل استفاده است.

این موشک ها با دقت هایی از رده بهتر از ۵۰ متر تا دقت هایی در حد نقطه زنی ساخته شده اند که می تواند با اشاره هر فرمانده میدانی علیه موضع مقاومت دشمن استفاده شوند. اینها البته به انواع سرنگی های مختلف هم مجهز شده اند؛ سرنگی های منفرد چند صد کیلوگرمی با قدرت تخریب بالا، سرنگی بارانی مجهز به ریزمهمات پخش شونده روی محدوده هدف، سرنگی ترکش زا برای آسیب روی یک محوطه گسترده دارای اهداف با مقاومت پایین و سرنگی های نفوذگر در استحکامات که حتی روی موشک های کوچک با برد کم هم به کارگیری شده است.

کار مشخصاتیابی برای اهداف و نظارت مستقیم و برخط روی میدان نبرد هم امروزه توسط انواع پهپادهای کوچک و بزرگ از نمونه های دست پرتاب که در خط مقدم هم در اختیار رزمندگان است تا نمونه های بزرگتر مجهز به دوربین های دید در روز و شب با زوم اپتیکی ۶۰ برابر صورت می گیرد.

گلوله های توپ نقطه زن با برد ۱۶ و ۲۵ کیلومتر با هدایت لیزری هم امروزه در صنعت دفاعی کشور تولید می شود که می تواند هر نقطه مورد نیاز فرمانده را در هم بکوبد.

نمونه روسی این گلوله های توپ با هدایت لیزری در اختیار جبهه مقاومت در جنگ جهانی سوریه علیه تروریست ها مورد استفاده قرار گرفته و تأثیرگذاری عملیاتی بالای خود را نشان داد.

به این موارد باید تسلیحات نقطه زن هواپایه با بردهای مختلف در اختیار جنگنده های تهاجمی ارتش و سپاه و پهپادهای رزمی-شناسایی را هم افزود. پهپادهای انتحاری با سطح مقطع راداری پایین هم امروزه در بردهای عملیاتی مختلف در ایران ساخته و در اختیار ارتش و سپاه قرار دارد.

پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با وجود درخشیدن در عملیات کربلای ۵ و انهدام بیش از ۵۰ فروند از هواگردهای دشمن اما باز هم در مقابل هجوم بی امان جنگنده ها دچار مشکل می شد. مهم ترین مشکل تعداد ناکافی سامانه ها در آن دوران بود. از سوی دیگر سلاح موشکی کارآمدی هم برای حضور مستقیم در خط مقدم به تعداد بالا در اختیار نبود.

امروزه سامانه های پدافند هوایی متحرک مجهز به رادارهای پیشرفته ارئه فازی و سامانه های اپتیکی حرارتی از رده راهبردی با برد درگیری ۲۰۰ کیلومتر رده تاکتیکی با بردهای ۰،۲۵، ۰،۷۵، ۱،۲۰ و ۸ کیلومتر و نیز موشک های دوش پرتاب پیشرفته با برد ۵ کیلومتر به تعداد کافی ساخته شده و در اختیار نیروهای مسلح قرار دارند. برخی از این سامانه ها همچون ۹ دی، دزفول، زوبین و مجید به علت تحرک بالا و استقرار رادار و پرتابگر موشک روی یک خودرو می توانند در صحنه عملیات هم حاضر شده و حتی علیه بمب و موشک های دشمن نیز مقابله کنند.

اینها نشان می دهد که بسیاری از تلاش های صنعت دفاعی کشور و جهادهای خودکفایی بر اساس تجربیات جنگ تحمیلی ۸ ساله و البته با نگاه دقیق به تحولات روز و صحنه نبردهای مدرن شکل می گیرد تا تجهیزات مناسب با کارایی مطلوب در اختیار رزمندگان اسلام قرار گیرد.

پاداشفت